

مطالعه جامعه‌شناختی هویت سنتی / مدرن دانشجویان (جامعه مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد شوشتر در سال ۱۳۹۶)^۱

خیام عباسی*

چکیده

این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی و با روش پیمایش انجام گرفته و کوشش شده است تا بعضی از متغیرهای تأثیرگذار در گذار از هویت سنتی به هویت مدرن بررسی شوند. جامعه مورد مطالعه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد شوشتر (۴۳۰۰ نفر) بودند که ۳۸۰ نفر از آنان برای نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری نیز با روش خوشه‌ای - تصادفی ساده بر مبنای تعداد دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه انجام شد. اطلاعات مورد نیاز با پرسش‌نامه محقق - ساخته جمع‌آوری شد و با برنامه SPSS، با استفاده از آزمون‌های آماری متناسب روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته آزمون‌های معناداری تفاوت میانگین توکی، آزمون اسپیرمن، آزمون پیرسون، و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل جنس ۰/۴۱، سن ۰/۰۸، وضعیت تأهل ۱/۱۸، تحصیلات پدر ۰/۷۶، شغل پدر ۰/۱۰، درآمد خانواده ۰/۴۷، شغل مادر ۱/۴۵، میزان مشارکت اجتماعی ۰/۴۴، میزان استفاده از وسایل ارتباطی ۰/۸۲، سطح ارتباط انسانی ۱/۱۷، میزان تعلق اجتماعی ۱/۱۳، و سطح دین‌داری ۰/۸۸ در متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. در مجموع این متغیرها ۴۹/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت سنتی، هویت مدرن، دانشجویان دانشگاه آزاد.

* گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران، abbasi.khayyam@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۵

۱. مقدمه

کیستی و چیستی انسان هم‌زمان می‌تواند در ابعاد فردی، جمعی، تاریخی، دینی، ملی، قومی، و مذهبی موردتبیین قرار بگیرد. از وجه انتولوژیک هویت چیستی و کیستی فرد را نشان می‌دهد که هم واجد معنای هم‌سانی و هم واجد معنای ناهم‌سانی است. این‌گونه به خود یا گروه خود نگریستن از آغاز زندگی جمعی انسان وجود داشته و در قرون جدید شدت بیش‌تری یافته است. از این دیدگاه، هویت هر فرد یا گروه، ضمن برساختن هم‌سانی‌ها با «خودی»ها، متضمن و مبین ناهم‌سانی‌ها و تمایزات مختلف و مرزبندی با «دیگران» هم بوده است.

از وجه لغوی، واژه هویت یا identity ریشه در زبان لاتین دارد و از identitas، که از idem اقتباس شده، یعنی «مشابه و یک‌سان» ریشه می‌گیرد. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به‌واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر، به ویژگی هم‌سانی که در آن اشخاص می‌توانند به‌هم پیوسته باشند یا از طریق گروه یا مقولات براساس صور مشترک برجسته‌ای نظیر ویژگی‌های قومی و... به دیگران ببینند دلالت دارد (بایرون ۱۹۹۷؛ فکوهی ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴).

هویت، به‌منزله یک خرده‌سیستم، در درون سیستم کلان فرهنگی قرار دارد و موردتبادل قرار می‌گیرد. این تبادل به بده‌بستان‌های فرهنگی و در نتیجه هویتی منجر می‌شود. بنابراین، در روند سیورورت تاریخی ماهیتی ترکیبی می‌یابد. با این وضع، آنچه مورد مطالعه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد، تعداد پرشماری «هویت‌ها»ی مندرج در فرهنگ‌های مختلف و متکثر است که جز با بینش پلورالیستیک قابل بررسی نیستند. این مطالعه با فرض اساسی سیالیت، تاریخت، تکثری، و تبدالی بودن مفهوم هویت و با به‌رسمیت‌شناختن مجموع هویت‌های ذیل فرهنگ‌های جوامع مختلف می‌کوشد تا بخشی از عوامل خرد حرکت از هویت سنتی به‌سوی هویت مدرن را به مطالعه گیرد.

۲. مسئله محوری پژوهش

«مسئله اجتماعی» را از منظر هریک از پارادایم‌های توافقی، تضادی، و تفسیری (محمدپور ۱۳۹۶؛ ایمان ۱۳۸۹) که موردتبیین قرار بدهیم، عنصر اصلی و اساسی آن اختلال در نظم حاکم است. ممکن است نظریه‌های متنوع درون هریک از این پارادایم‌ها

این اختلال را مثبت یا منفی بینگارند، اما این را که نفس مسئله هم‌زمان واجد عنصر ذهنی و عنصر عینی است می‌توان مبنای مشترک این نظریه‌ها دانست. در تحلیل و تعلیل تغییر فرماسیون جامعه، جانسون (جانسون ۱۳۶۳؛ بشیریه ۱۳۸۰: ۱۳۴) چهار دسته منابع را معرفی می‌کند که موجب اختلال در تعادل و در نهایت تغییر سیستم می‌شوند: منابع خارجی تغییر در نظام ارزشی (مانند ایدئولوژی‌های خارجی)، منابع داخلی تغییر در نظام ارزشی (مانند اندیشه‌های اصلاحی داخلی)، منابع خارجی تغییر محیط (مانند انقلاب صنعتی)، و منابع داخلی تغییر محیط (مانند رشد جمعیت؛ هم‌چنین بنگرید به بشیریه ۱۳۹۳).

از زمان حاکمیت صفویان، نظم ساختاری جامعه ایران دست‌خوش تحول بنیادین شد (بنگرید به آبراهامیان ۱۳۸۷؛ سیوری ۱۳۷۸). فرض ما این است که همه علل موردبحث جانسون در نامتعادل کردن نظام اجتماعی و ارزشی ایران مؤثر بودند و تسریع و تشدید تبدلات میان‌هویتی زیرمجموعه فرهنگ معلول مستقیم و غیرمستقیم این شرایط و عوامل (محیطی) است. دانیلین لوزیک (Donileen Loseke) معتقد است مسائل اجتماعی بر ادراک عمومی مبتنی است و دست‌کم می‌توان آن‌ها را با چهار معیار بهتر شناخت: اول ناظر بر شرایط منفی باشند؛ دوم در زمره مقوله‌های دشوار و جدی باشد، سوم مسئله اجتماعی دال بر شرایطی تحت‌تأثیر انسان‌ها ایجاد شده است، از این رو به کمک خود انسان‌ها نیز می‌توان آن را از میان برداشت؛ و چهارم آن‌که شرایطی (هستند) که معتقد باشیم باید آن را تغییر داد؛ تغییراتی که منطقی هم به نظر می‌رسند (لوزیک ۱۳۸۳: ۲۳-۲۶).

هم‌چنین، مواردی مانند «ناشی از روابط انسانی»، «عامل بی‌نظمی در جامعه»، «شکسته‌شدن هنجارها»، و «خطر برای راه‌ورسم زندگی» را جامعه‌شناسان برای توضیح مسئله اجتماعی ذکر کرده‌اند (آلن‌بیرو ۱۳۷۲: ۱۳۶). پژوهش‌گران دیگری ویژگی‌هایی برای مسائل اجتماعی تعیین کرده‌اند که با توجه به آن‌ها می‌توان موضوع موردبررسی (در این‌جا) را با اطمینان بیشتری مصداق مسئله اجتماعی دانست؛ الف) ماهیت اجتماعی و عمومی داشتن، ب) تاریخی بودن، ج) واقعی و عینی بودن، د) متغیر و نسبی بودن نسبت به زمان و مکان، ه) قابل کنترل بودن، ی) چندبعدی و بین‌رشته‌ای بودن (ستوده ۱۳۸۴: ۲۹؛ هم‌چنین بنگرید به افشارکهن ۱۳۹۰: ۳۹-۵۷). هدف اصلی پژوهش این است که میزان گرایش به هویت سنتی و مدرن در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر چه میزان است؟ عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در آن کدام‌اند؟

۳. هویت در پژوهش‌های تجربی پیشین

۱.۳ پژوهش‌های داخلی

پژوهش صدیق سروستانی «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان برمبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ۱۳۸۸» نشان می‌دهد مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش مهم‌تری در مقایسه با مؤلفه‌های سنتی دارند. اما در بخش هویت سیاسی مؤلفه‌های سنتی یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی است که درمقابل گرایش به وجود جامعه مدنی نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد و هویت دانشجویان نه تک‌بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بعد سنتی و مدرن است.

محمدتقی ایمان و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهش «هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)» دانشجویان دانشگاه شیراز را با استفاده از نظریه «هویت» شلدون استرایکر و روش پیمایش موردبررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پیمایش نشان داد که رابطه معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و متغیرهای هویت ملی و هویت قومی و رابطه معنادار منفی‌ای میان متغیر هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته است. متغیرهای «هویت ملی» و «هویت جهانی» در مجموع ۴۵ درصد از تغییرات متغیر هویت اسلامی را تبیین کرد.

نتایج پژوهش پیمایش احمدی و همکارانش با نمونه‌ای ۳۹۵ نفری، در مقاله «تأثیر استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر هویت اجتماعی جوانان، ۱۳۹۲»، نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با تدین و مردسالاری رابطه معنی‌دار دارد، اما با شبکه خویشاوندی و ارتباط ناب رابطه معناداری ندارد.

پژوهش پیمایش محور دیگری را جوادی یگانه و همکارانش در سال ۱۳۸۷ روی دانش‌آموزان سال سوم مقطع متوسطه نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش (با نمونه آماری چهارصد نفری) نشان داد که در بُعد اجتماعی ۹۲ درصد و در بُعد فرهنگی ۷۵ درصد پاسخ‌گویان به عناصر هویتی در این دو حوزه احساس تعلق بالا دارند.

«جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک» عنوان پژوهش کیفی محور توسلی و همکارانش (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که لک‌ها، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی درون‌گروهی خود، خصیصه‌های فرهنگی مشترکی دارند که مبین هویت قومی آن‌هاست. «آن‌ها بخش

دیگری از هویت فرهنگی خود را به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی می‌کنند. تمام عناصر فرهنگی در میان این قوم از قدرت هویت‌سازی هم‌سانی برخوردار نیستند عناصری که در درون فرایندهای قدرت، تفاوت، و مقاومت قرار می‌گیرند توان هویت‌سازی بالاتری دارند» (توسلی و دیگران ۱۳۸۶).

نمونه دیگری از مطالعات تجربی درون کشور «تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان» (۱۳۸۸)، پیمایش جعفر زلفعلی‌فام و مظفر غفاری با نمونه ۳۸۹ نفری، نتایج زیر را نشان داده است:

دختران سعی دارند با اتکا به مراجع هویت‌ساز غیرسنتی چون تحصیل، شغل، و استقلال مالی از هویت اجتماعی سنتی، که توسط خانواده پدرسالار برای آن‌ها تعریف کرده، گذار کنند و خودشان، به‌صورت با‌اندیشانه، هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خویشتن در جامعه تعریف نمایند (زلفعلی‌فام و غفاری ۱۳۸۸).

در میان رساله‌های دانشجویی، رساله کارشناسی ارشد اشرف مظلوم، با عنوان بررسی ارتباط میان روش‌های تربیتی و پایگاه‌های هویت نوجوانان شهر تهران در سال ۱۳۸۲، این موارد را نشان می‌دهد: رابطه معنادار میان روش‌های تربیتی والدین و پایگاه‌های هویت، تفاوت پایگاه‌های هویت در دختران با پایگاه‌های هویت در پسران، تفاوت میان روش‌های تربیتی والدین در مورد پسران و دختران، رابطه معنادار میان روش‌های تربیتی والدین (کنترل و محبت) و وضعیت‌های هویت در نوجوانان، رابطه معنادار بین وضعیت‌های هویت جنسی دختران و پسران، رابطه معنادار بین تحصیلات پدر و کنترل (بالا و پایین)، و رابطه بدون معنا بین روش تربیتی والدین و جنس فرزندان.

رساله پیمایشی کارشناسی ارشد مریم سروش در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۸۰ با عنوان بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شهر شیراز (نمونه چهارصد نفری از جوانان ۱۹-۳۵ ساله) نشان می‌دهد که میزان مذهبی بودن والدین و دوستان، میزان دنیاگرایی، و متغیر جنس مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در هویت مذهبی بوده‌اند. متغیرهای میزان رضایت‌مندی سیاسی، میزان جهانی‌شدن، و وضعیت تأهل تأثیری غیرمستقیم در متغیر وابسته را در این پژوهش نشان داده است.

نتایج تحلیل چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که اثرات مستقیم بر هویت مذهبی در مجموع تعیین‌کننده‌تر از اثرات غیرمستقیم است و جوانان بیش‌ترین تأثیر را از گروه‌های دوستی و والدین خود دریافت می‌کنند. میزان دنیاگرایی به‌صورت منفی

بر متغیر وابسته تأثیر داشته است. از طرف دیگر، عامل جنسی نیز در این امر دخیل بوده، یعنی زنان مذهبی‌تر از مردان بوده‌اند، اما این متغیر اثر زیادی نداشته است (سروش ۱۳۸۰).

برخی دیگر از پژوهش‌های داخلی کشور از این قرارند:

- پورجبللی، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی جوانان ارومیه»، در سال ۱۳۷۹ با استفاده از روش پیمایش با انتخاب یک نمونه ۳۸۳ نفری از نوجوانان شهر ارومیه؛
- فاطمه رئیسی (۱۳۷۶)، تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان»؛
- محمدرضا ارشد خرگردی (۱۳۸۱)، «عوامل مؤثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز»؛
- محمد عبداللهی (۱۳۷۵)، «بررسی هویت جمعی موجود در بین جمعیت شهری، روستایی، و ایلی ایران»؛
- محسن خادمی، پرویز ساکتی، و ویدا فلاحی (۱۳۸۶)، «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راه‌نمایی تحصیلی (گرایش‌ها و شناخت‌ها)».

۲.۳ پژوهش‌های تجربی خارجی

- لو و شو- فانگ‌کو (Luo and Shu- Fang Kao) در سال ۲۰۱۰ پژوهشی را در میان ۱۶۹ جفت فرزندان - والدین با استفاده از پرسش‌نامه ساخت‌یافته بررسی کردند. تجزیه و تحلیل درون گروه‌ها نشان داد که هم‌بستگی نسبی بالا و هم‌چنین اختلاف در ویژگی‌های سستی و مدرن میان این دو نسل وجود دارد. تجزیه و تحلیل بین افراد نیز نشان داده که خصوصیات سستی و مدرن فردی تحت تأثیر سن و جنس و تعاملات آن‌ها قرار گرفته است.
- الیزابت هیلمن (Heilman 1998) در پژوهشی با عنوان «ستیز برای خود، قدرت، و هویت اجتماعی در میان دختران نوجوان» به بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت در میان دختران نوجوان دبیرستان یکی از مناطق فقیرنشین انگلستان پرداخته است.
- پژوهش لیم و چو (Lim and Chou 2010) دانشجویان، استفاده آنان از وسایل ارتباطی جدید، و هویت سستی مدرن را هدف مطالعه قرار داده است. نتیجه دلالت دارد بر

تنش‌هایی که دانش اطلاعاتی و وسایل ارتباطی در هویت سنتی-مدرن به وجود می‌آورد. «تمایز» که به‌طور ذاتی جزء کارکرد هویت به‌شمار می‌رود، دانشجوی مرتبط با محیط دانشگاه را در تضاد با فرهنگ بومی-سنتی والدین و بزرگسالان قرار می‌دهد و به این ترتیب هویت آنان را تلائمی و تجانس‌ی شکل می‌دهد.

- پژوهش اسچالک (Schalk 2011) که تمرکز خود را بر دوگانه خود-دیگری قرار داده، در پی آشکار ساختن تأثیرات رسانه‌های ارتباطی جمعی در متغیرهایی چون هویت، آگاهی، و ارتباط میان خود-دیگری برآمده است.

در این راستا، می‌توان از پژوهش‌های دیگری به‌طور خلاصه نام برد:

- کوپوسسکو (Copesescu 2011) با عنوان «ابعاد ساختار هویت در درون وضعیت جهانی شدن»؛

- پژوهش آر. اس. زاهارتا (Zaharta 1989) با عنوان «شوک خود: پیچیدگی تزایدی هم‌اوردجویی هویتی»؛

- نینگ‌یانگ (Ning Yang 1997)، با عنوان «بحران فرهنگی و ساخت هویت»؛

- لوناتن (Lounaton 1998)، با عنوان «بررسی جنبه‌های هویت اجتماعی در زنان و مردان آلمان».

به‌جز استفاده از برخی متغیرهای مستقلی، مانند میزان تعلق اجتماعی، که این پژوهش را از سایر پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند و گذشته از نحوه عملیاتی‌کردن متغیر وابسته، تفاوت مهم این پژوهش در این است که برخلاف پژوهش‌های پیشین، که در کلان‌شهرهای ایران انجام گرفته و عمدتاً دانشجویان دانشگاه‌های دولتی را محور مطالعه قرار داده‌اند، این پژوهش نمونه‌ای از دانشجویان را هدف مطالعه قرار داده است که هم در دانشگاه آزاد و هم در شهرستانی در حال تحصیل بودند که واجد دو خصلت مهم فرهنگی و تاریخی است؛ یعنی شوشتر، که از نظر تاریخی به شهری بسیار مذهبی و به صفت «دارالمؤمنین» شهرت دارد و از نظر فرهنگی قومیت‌های متنوعی (شوشتری‌ها، بختیاری‌ها، عرب‌ها، و مهاجرانی پرتعداد از استان‌های هم‌جوار خوزستان) را در خود جای داده است.

۴. مبانی نظری

مطالعات جامعه‌شناختی هویت از سال‌های شکل‌گیری دانش جامعه‌شناسی آغاز شد. دورکیم برای تبیین ظهور ادیان ابتدایی از منظر کارکردگرایی به توضیح کارکردهای مناسب

دینی پرداخت که چگونه احساس تعلق فرد به یک گروه («ما» بودن) را شکل می‌دهد و تشدید می‌کند. مارکس که معتقد بود افکار طبقه حاکم در هر عصری افکار حاکم بر تمام جامعه است و طبقه‌ای که مالک ابزار تولید است بر ابزار تولید ذهنی نیز تسلط دارد (کوزر ۱۳۶۹: ۸۰) رویکردی را آغاز کرد که در مطالعات مشهور به پسامارکسی کسانی مانند آلتوسر و گرامشی رنگ تحلیلی فرهنگی و هویتی به‌خود گرفتند. ویر نیز در تحلیل‌هایش دگرذیسی جهان سنتی و گذار از آن به جهان مدرن را با مفهوم «افسون‌زدایی از جهان» تحلیل می‌کرد که در وهله اول مبین انفکاک معرفت‌شناختی جهان و انسان جدید با جهان و انسان سنتی بود؛ سوژه و ابژه‌ای که در فرایند مدرنیزاسیون به‌معنای واقعی از وجه هویتی تغییر و تحول یافته بودند. این دسته از جامعه‌شناسان بر رویکردهای کلان، تاریخی- تطبیقی و نهادها و ساختارهای پهن‌دامنه تأکید داشتند و به‌طور معمول کنش‌گر را محاط و منفعل در این ساختارها می‌دانستند. در رویکردی متفاوت با این، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی مانند کولی، مید، گافمن، و استرایکر با هدف تبیین نقش «عامل»^۲ در فرایند زندگی اجتماعی و تولید و بازتولید ساختارهای کلان، ضمن تعریف و توضیح عوامل شکل‌دهی به «خود» و «دیگری» (در نقش کنش‌گرانی چون انسان‌های عادی و نیز در نقش فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به‌مثابه خود و دیگری)، به تبیین روابط بین این دو و تغییرات هویتی برخاسته از هر دو پرداختند. ازیک‌سو، منطق حاکم بر روابط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از منظر معرفت‌شناختی، دینی، و سیاسی قابلیت تحلیل روابط میان انسان‌های دارای فرهنگ‌های متفاوت به‌منزله خودها و دیگری‌ها را دارد و ازسویی همین رویکرد کنش‌گرمحور، که به‌تعبیر ریتزر در چهارچوب پارادایم رفتار اجتماعی جای می‌گیرد، توان تحلیلی خود را برای روابط میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نشان می‌دهد. مطابق با این ره‌یافت^۳ کنش‌گرانی (و نیز فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی) که فرهنگ و هویت خویشتن را برتر از کنش‌گران و فرهنگ‌های «دیگر» می‌دانند، در نقش بنیادگرایان سیاسی، نژادی، خونی، و مذهبی ظاهر می‌شوند. درحالی‌که آن‌سوی طیف، یعنی معتقدان به فرهنگ‌های برابر و متفاوت، در نقش پلورالیست‌های فرهنگی، هویتی، دینی، و سیاسی ظاهر می‌شوند که در نوع اخیر، می‌توان رویکرد تحلیلی تبادل‌گرایانه‌ی کسانی مانند هومنز و پیتز بلا و دیدگاه کسانی مانند گیدنز (در تجدد و تشخیص) را به‌خدمت گرفت. در دهه‌های پایانی قرن ۲۰ و با آغاز قرن ۲۱ که بنیادگرایی مذهبی ازیک‌سو تقابل‌ها و تضادهای هویت‌ها را عمیق‌تر کرد و موجب تولید اندیشه‌های جدیدی چون «برخورد تمدن‌ها» ازسوی کسانی مانند هانتینگتون شد و ازسویی دیگر، فرایند جهانی‌شدن با کشفیات، اختراعات فناوری‌ها، و وسایل ارتباطی

مدرن (چون ماهواره و اینترنت) سرعت شتاب‌ناکی گرفت و مباحث تقابل مرکز - پیرامون و مرکز‌گرایی - محلی‌گرایی در کانون تئوری‌های علوم انسانی و به‌خصوص جامعه‌شناسی قرار گرفتند، کسانی مانند اینگلهارت و هابرماس نیز به وضعیت هویت، دین، دموکراسی، و سکولاریزاسیون پرداختند؛ مفاهیم و عناصر مهمی از فرهنگ مغرب‌زمین که اینک سودای فراگیر شدن و اشاعه در تمامی کشورهای جهان دارند.

سراغاز روابط سیاسی، نظامی، و اقتصادی و فرهنگی میان ایران و غرب از نظر برخی از تحلیل‌گران از دوره صفویه (جان فوران ۱۳۹۳) و گسترش و تعمیق آن، براساس نظر عده‌ای دیگر از پژوهندگان، مقارن ولی‌عهدی عباس‌میرزای قاجار بوده است (بشیریه ۱۳۹۳؛ آدمیت ۱۳۵۵؛ کدی ۱۳۸۷؛ اشرف ۱۳۵۹). ورود عناصر هویتی غرب به منظومه هویتی ایرانیان از همین زمان بود، لیکن مطالعات نظری تاریخی و جامعه‌شناختی و پژوهش‌های میدانی درمورد مفهوم هویت در دوره‌های پهلوی اول و دوم آغاز شد و پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ش تداوم یافت. این مطالعات در ابتدا به تأثیر از سنت چپ بود، اما به تدریج پژوهش‌هایی با رویکرد علمی و انتقادی دامنه خود را گسترانید. هویت ایرانی، مانند هر پدیدار دیگر اجتماعی، به روایت‌های گوناگون تعریف و تصویر شده است. با استناد به دیدگاه احمد اشرف، می‌توان به سه روایت عمده اشاره کرد. این روایت‌ها به ترتیب زمانی عبارت‌اند از روایت «ملت‌پرستانه»، «مدرن و پست‌مدرن»، و «تاریخی‌نگر». نخستین روایتی که از هویت ایرانی در عصر نوین پدیدار شد و میان روشن‌فکران رواج گرفت، بازسازی هویت ایرانی بر مبنای دیدگاه تخیلی و احساساتی ملت‌پرستانه یا ناسیونالیسم رومانتیک بود. روشن‌فکران درون این ره‌یافت به آفرینش مفاهیم تازه‌ای چون «ملت ایران»، «وطن‌پرستی»، و «عشق به سرزمین‌پدیری و مادری» پرداختند: کسانی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده، جلال‌الدین میرزا (پسر فتحعلی‌شاه)، و میرزا آقاخان کرمانی. دین زرتشت و تکریم مؤمنان به این دین، برترشمردن ملیت بر دین، و وطن‌پرستی در معنای فداکاری و از خودگذشتگی برای حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی سرزمین‌پدیری و مادری، و بیزاری از تازیان و مغولان و ترکان است که از این دیدگاه پایه و سرچشمه همه ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی‌های ایران و ایرانی بوده‌اند. در برخی آثار صادق هدایت می‌توان برجسته‌شدن این رویکرد را مشاهده کرد. در «روایت مدرن و پست‌مدرن» یکی مبشر تعصب ملی و دیگری معرف تعصب ضدملی است. روایت نخست بیش‌تر باب‌طبع گروه‌های ناسیونالیست و دست‌راستی و طبقه حاکم، روایت دوم بیش‌تر مورد اقبال چپ‌گرایان یا جدایی‌طلبان، قومیت‌ها، و علاقه‌مندان به مسئله ملیت‌هاست، و سوم روایت تاریخی‌نگر که،

با پرهیز از افراط و تفریط آن دو روایت، راه‌حل میانه‌ای برای بررسی و تحلیل «هویت ایرانی» برگزیده است. این روایت «هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا امروز به شکل‌های گوناگون بازسازی شده است. از دیدگاه این روایت، در این‌که هویت ملی زاده‌دنیای جدید است با دیدگاه «مدرن و پست‌مدرن» هم‌آوازی دیده می‌شود، اما گسست بنیادین هویت ملی همه کشورهای، به‌ویژه ایران را با هویت گذشته آنان، به‌استناد شواهد تاریخی بسیار نمی‌پذیرد (اشرف ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۲۷). از نقطه‌نظری دیگر، می‌توان سه رویکرد هویتی را از هم تفکیک کرد: الف) رویکرد ذات‌گرا، ب) رویکرد گفتمانی، ج) رویکرد برساخت‌گرا (تاجیک ۱۳۸۴: ۴۳-۴۴؛ افضل‌ی و دیگران ۱۳۹۴: ۶-۷). رویکرد ذات‌گرا هویت را امری طبیعی و ثابت جلوه می‌دهد. رویکرد گفتمانی هویت را برساخته «زمان و تصادف» و واقعیتی تاریخی تفسیر می‌کند. تأکید بر خصوصیت تاریخی هویت این معنا را افاده می‌کند که هویت تغییرپذیر، سیال، و انعطاف‌پذیر است و خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌های متمایزکننده هویت‌ها نیز اعتباری‌اند. رویکرد برساخت‌گرا هویت را برساخته‌ای اجتماعی می‌داند. بر این اساس، هویت حاصل شرایط اجتماعی و کنش‌های انسان‌هاست. مهم‌ترین ویژگی رویکرد برساخت‌گرایانه توجه به اهمیت واقعیت‌های مادی و غیرمادی جامعه به‌جای مفاهیمی مانند ذات و ماهیت یا گفتمان و زبان در برساختن هویت است. ویژگی دوم در زمینه برساختی بودن هویت این‌که هویت حاصل دیالکتیک بین دو سطح خرد و کلان یا به‌عبارت‌بهرتر کارگزار و ساختار است و به همین دلیل در بیش‌تر موارد از هویت به امری جمعی و نه فردی نام برده شده است.

۵. چهارچوب تئوریک

پدیده اجتماعی هویت در معنای دورکیمی آن به‌صرف اجتماعی بودن تاریخی، چندوجهی، و میان‌رشته‌ای نیز محسوب می‌شود که عناصری خرد و کلان در شکل‌گیری، تغییر، یا ثبات آن مؤثرند. از منظر فلسفی-تاریخی-جامعه‌شناختی و از وجه انتزاعی این پدیده به سستی و مدرن تقسیم شده، هرچند پیداست از وجه انضمامی انفکاک یا شکاف در تمامیت (در معنای گشتالتی) آن به‌مثابه یک ابژه مدنظر نیست، بلکه منظور تحلیل نظری به‌شکل یک طیف است.

در میان جامعه‌شناسان کلاسیک و در میان تضادگرایان، مارکس در هنگام بحث از ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی به مقوله هویت فردی و طبقاتی هم توجه کرد. به‌زعم

مارکس، آگاهی طبقاتی (به معنای آگاهی طبقات از هویت و منافع طبقاتی مشترکشان) عمده‌ترین عامل شکل‌گیری هویت جمعی یک طبقه اجتماعی است. تاهنگامی که هر طبقه پرولتاریا به آگاهی طبقاتی دست نیابد، نمی‌تواند از الیناسیون رها شود و هویت جمعی خود را برسازد. با این تحلیل، طبقه‌ای که حاکم شده طبقه‌ای است مجهز به آگاهی طبقاتی در وجه ذهنی و هویتی و نیز در منافع مشترک؛ یعنی واقعیت عینی. آگاهی طبقاتی بدون عنصر آگاهی ذهنی به دست نمی‌آید و نیز تحصیل آگاهی ذهنی، به‌جز داشتن احساس تعلق به جامعه (فرضیه اول پژوهش)، نیازمند داشتن سطحی از مشارکت اجتماعی (فرضیه دوم) و نیز ارتباط اجتماعی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی است (فرضیه‌های سوم و چهارم). طبق سخن مشهور مارکس و براساس اصل تعیین‌کنندگی اقتصاد، هرچند با واسطه و نه مستقیم، محتمل است که پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی در آگاهی طبقاتی، آگاهی ذهنی، ایدئولوژی، و هویت افراد درون جامعه تأثیر به‌سزایی داشته باشد (فرضیه ششم).

از دیدگاه تفسیرگرایانه برگر و لاکمن، هویت یکی از ارکان اساسی واقعیت ذهنی است که در ارتباطی جدلی با جامعه قرار می‌گیرد و سازه‌ای اجتماعی است که طی فرایند اجتماعی‌شدن شکل می‌گیرد. در این معنا، می‌توان هویت را هم‌چون عنصری از عناصر فرهنگ محسوب کرد که با حس تعلق به جامعه شکل می‌گیرد (تأثیر احساس تعلق در نوع هویت فرد در فرضیه اول)؛ از طریق مشارکت اجتماعی فرد در انواع فعالیت‌های اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی دامنه گسترده‌ای می‌گیرد و فرد به واسطه انواع وسایل و راه‌های ارتباطی‌ای که جامعه در اختیارش قرار می‌دهد در ارتباطی دوطرفه (فرد - جامعه)، هویت فردی و اجتماعی‌اش (مانند نوع مذهب و دین یا سطح تعلق خاطر به دین) را شکل می‌دهد (فرضیه چهارم و پنجم). هویت یکی از اجزای اصیل واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقعیت ذهنی در رابطه دیالکتیکی با جامعه قرار دارد و بر اثر فرایندهای اجتماعی تشکیل می‌شود و پس از متبلورشدن باقی می‌ماند و تغییر می‌کند یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد. فرایندهای اجتماعی که هم در تشکیل هویت و هم در حفظ هویت دخیل‌اند، برحسب ساختارهای اجتماعی تغییر می‌یابند (برگر و لاکمن ۱۳۹۵: ۲۳۶-۲۴۰). این ساختارها گاه سیاسی، گاه خانوادگی، و گاهی اقتصادی است (فرضیه ششم پژوهش). بنابراین، نوع ساختار خانواده، میزان بهره‌مندی خانواده از عناصر مؤثر در قشربندی و طبقه‌بندی جامعه، ثروت جامعه (اعم از فرهنگی

مانند دانش و سطح سواد، اقتصادی مانند سطح درآمد)، و منزلت خانواده از وجه اجتماعی و اقتصادی می‌تواند در شکل‌دهی نوعی از هویت به فرد مؤثر باشد. رویکرد برگر و لاکمن را در بازسازی هویت جنکینر هم تداوم بخشید و بر وجه خود-انعکاسی و دیالکتیکی هویت (میان عامل و ساختار) تأکید کرد. از نظر وی، کنش‌گر اجتماعی، به واسطه هویت، ساختارهای کلان جامعه را در ذهنش درونی و سپس آن را منعکس می‌کند. البته این درونی کردن انفعالی نیست و کنش‌گر خلاق به‌طور فعالانه و دیالکتیکی با فرهنگ و هویت وارد ارتباط می‌شود. این سخن درست به این معناست که واقعیت هویت تاریخی و نسبی هم هست، ضمن این‌که بر تشابه و تمایز در مورد هویت نیز تأکید دارد (جنکینز ۱۳۸۱: ۵-۷۵). مشارکت فعالانه کنش‌گر در سپهر اجتماعی و برقراری ارتباط دیالکتیکی با عناصر فرهنگی به‌طور پیشینی باید واجد عنصر تعلق‌خاطر فرد به جامعه باشد. در این صورت، هرچه میزان تعلق کنش‌گر به جامعه و فرهنگش بیش‌تر باشد، محتمل است که مشارکت اجتماعی‌اش در جامعه و نیز میزان ارتباط اجتماعی‌اش بیش‌تر باشد و به این ترتیب نقش عاملیت خود را بیش‌تر ایفا کند (فرضیه‌های اول، دوم، و سوم). نزدیک به همین ایده، یعنی ارتباط دوسویه عامل و ساختار، گیدنز نیز موضع مشابهی دارد. از دیدگاه گیدنز، هرچند ساختارهای اجتماعی را فعالیت‌ها و آگاهی کنش‌گران به‌وجود می‌آورد، به‌گونه‌ای بازگشتی، تاریخی، و دیالکتیکی ساختارها پتانسیل‌هایی در اختیار کنش‌گر قرار می‌دهند تا هویت خود را بسازند. این ساختارها در شکل و قالب قدرت فرهنگی (مانند دین‌داری کنش‌گر، حس تعلق به جمع و جامعه، میزان و انواع فعالیت‌های عاملیتی کنش‌گر مانند انواع مشارکت فعالانه در جامعه)؛ قدرت اقتصادی (مانند سرمایه مالی و درآمد)، قدرت سیاسی (مانند سطح فعالیت در مشارکت سیاسی)، و قدرت آموزشی (مانند میزان بهره‌وری از قدرت رسانه‌ای و آموزش رسمی) بستری فراهم می‌سازند تا کنش‌گر، در جایگاه عامل، وضعیت کیستی و چیستی «خود» یا «گروه خود» نسبت به «دیگری» یا «گروه دیگری» را مشخص کند، تثبیت کند، یا تغییر دهد و این تعیین کیستی یا چیستی (که بُعدی تاریخی هم دارد) در قالب هویت خود/دیگری متبلور می‌شود. کیستی فرد یا جمع، کیستی من/ما/او/آن‌ها، چیستی فرد یا جمع، و ادراک فرد یا جمع از خودش تشکیل‌دهنده هویتی است که به‌صورت اجتماعی شکل می‌گیرد. در بحثی هم‌راستای بحث گیدنز در مورد عاملیت کنش‌گران و ساخت‌یابی مجدد ساختارهای کلان جامعه، بوردیو نیز با طرح مفاهیم «میدان» و «هابیتوس» وارد قلمروی

تحلیل هویت شد. وقتی هابیتوس بوردیو را در معانی انضمامی تعبیر کنیم، در واقع به فرهنگ و هویت کنش‌گر می‌رسیم که با ساختارهای کلان ساخت‌یابی می‌شوند و کنش‌گران در طول زندگی با دخل و تصرف آن‌ها را درونی و به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند (خصلت تاریخی، اکتسابی، و سیالیت فرهنگ و هویت). به تعبیر ریتزر، ساختمان ذهنی در نتیجه اشغال بلندمدت یک جایگاه در داخل جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. از همین روی، ساختمان ذهنی بر وفق ماهیت جایگاه افراد در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد و برای همین است که افراد گوناگون ساختمان ذهنی واحدی در جامعه ندارند. به هر روی، آن‌هایی که جایگاه واحدی در جهان اجتماعی دارند، از ساختمان ذهنی مشابهی نیز برخوردارند (ریتزر ۱۳۹۱: ۷۲۱). هابیتوس یا منش کنش‌گر که در روند اجتماعی شدن برساخته می‌شود (و هویت یکی از عناصر مهم هابیتوس است) در واقع تحت تأثیر سرمایه فرهنگی (میزان هم‌نوایی و احساس تعلق به جامعه و فرهنگ و میزان مشارکت اجتماعی)، سرمایه اقتصادی (مانند سطح درآمد و مقدار ثروت و دارایی یا همان طبقه اجتماعی-اقتصادی)، و سرمایه نمادین (منزلت اجتماعی، تحصیلات و معلومات، استفاده از وسایل مدرن ارتباطی، سطح ارتباطات اجتماعی) کنش‌گر است؛ مفاهیمی که به صورت متغیر در این پژوهش طرح شده‌اند. در حالی که بوردیو به «تشخص» و انواع سرمایه اهمیت می‌داد، در قرن بیستم با طرح شدن دانش و دانایی به مثابه قدرت از جانب فوکو، کاستلز نیز با تمرکز بر اهمیت و قدرت تکنولوژی اطلاعات در منظومه شبکه‌ای جهان و با کتاب *جامعه اطلاعاتی* به تحلیل هویت پرداخت. با ظهور وسایل ارتباطی مدرن و فراگیر در قالب تکنولوژی اطلاعات در اقتصاد اطلاعاتی و اقتصاد جهانی شده، فرهنگ و هویت هم سیال‌تر می‌شوند و هم در معرض دگرگونی سریع‌تری قرار می‌گیرند. این جامعه و فرهنگ جدید تمامی عناصر هویتی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ از احساس تعلق به گروه قومی یا دینی یا جنسیتی تا میزان درآمد و ثروت، سطح آگاهی، میزان قدرت مبتنی بر دانش کنش‌گر، تعلق انحصارگرایانه یا کثرت‌گرایانه به هر نوع ایدئولوژی و دین و مذهبی، و در کل برقراری ارتباطات میان‌فرهنگی به تبادل عناصر فرهنگی‌ای منجر می‌شود که هویت یکی از آن‌هاست. به این ترتیب منابع هویتی فرد چون گذشته از یک منشأ تغذیه نمی‌شود، بلکه با توجه به نوع هویت (هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت، و هویت برنامه‌دار) و با توجه به تحولات کلان جوامع از سنتی به سوی مدرن شدن چندمنبعی می‌شود (عقیلی و ططری ۱۳۹۱: ۷۳؛ کاستلز ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳).

قاب ۱. صاحب‌نظران، منابع هویت‌محور در اندیشه‌های آن‌ها، و فرضیه‌های استنباطی پژوهش

صاحب‌نظر	منابع هویت	فرضیه‌های استنباطی پژوهش
مارکس	مالکیت، اقتصاد زیربنا و تعیین‌کننده	فرضیه‌های اول، دوم، سوم، چهارم، و ششم
گیدنز	مدرنیته، رسانه‌ها، اعتماد به دیگران، موقعیت‌های نهادی، سطح ارتباطات، خانواده، دیالکتیک بین عامل و ساختار	فرضیه‌های اول، سوم، چهارم، و ششم
بورديو	انواع سرمایه، هابیتوس، ساختارهای کلان اجتماعی	فرضیه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و ششم
برگر و لاکمن	دیالکتیک ارتباطی فرد و جامعه، معناسازی کنش‌گرانه، ساختارهای اجتماعی‌کننده عامل و منتقل‌کننده فرهنگ	فرضیه‌های اول، چهارم، پنجم، و ششم
جنکینز	فرایند اجتماعی‌شدن، تعامل، قدرت و سیاست، خویشاوندی و قومیت	فرضیه‌های اول، دوم، و سوم
کاستلز	جامعه شبکه‌ای، قدرت تکنولوژی، هویت‌های دیگر، وسایل ارتباطی مدرن و مجازی	فرضیه‌های اول، دوم، چهارم، و ششم

۶. فرضیه‌های پژوهش

چنین به نظر می‌رسد:

۱. بین احساس تعلق به جامعه و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد؛
۲. بین میزان مشارکت اجتماعی و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد؛
۳. بین میزان ارتباط اجتماعی و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد؛
۴. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد؛
۵. بین میزان دین‌داری و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد؛
۶. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت دانشجویان براساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.

۷. جمعیت آماری و حجم نمونه

جمعیت آماری این پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر را شامل می‌شود که ۴۳۰۰ نفر گزارش شده‌اند. روش نمونه‌گیری روش خوشه‌ای- تصادفی ساده براساس تعداد دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه تعیین شد. حجم نمونه با استفاده از جدول لین و با در نظر گرفتن میزان جمعیت آماری نزدیک به چهارصد نفر به دست آمد. از این تعداد، بیست پرسش‌نامه مخدوش بودند که در تحلیل نهایی حذف شدند.

۸. آمار توصیفی و استنباطی

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۸۵	۷۱/۲۵
زن	۹۵	۲۸/۷۵
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

جدول ۱ براساس جنس پاسخ‌گویان طرح شده است. ۲۸۵ نفر (۷۱/۲۵ درصد) مرد و ۹۵ نفر (۲۸/۷۵ درصد) زن هستند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان مرد با ۷۱/۲۵ درصد است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس درآمد خانواده

درآمد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تراکمی
۷۰۰ هزار	۱۰۶	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۹
۸۵۵ هزار	۲۰	۵/۳	۵/۳	۳۳/۲
۹۰۰ هزار	۱۲۸	۳۳/۷	۳۳/۷	۶۶/۸
۱ میلیون	۳	۰/۸	۰/۸	۶۷/۶
۱ میلیون و ۲۰۰ هزار	۱۰۱	۲۶/۶	۲۶/۶	۹۴/۲
۱ میلیون و ۵۰۰ هزار	۲۲	۵/۸	۵/۸	۱۰۰/۰
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰		

جدول ۲ براساس وضعیت درآمد خانوار پاسخ‌گویان آمده است: ۱۰۶ نفر (معادل ۲۷/۹ درصد) دارای درآمد ۷۰۰ هزار تومان، ۲۰ نفر (معادل ۵/۳ درصد) دارای درآمد ۸۵۵ هزار تومان، ۱۲۸ نفر (معادل ۳۳/۷ درصد) دارای درآمد ۹۰۰ هزار تومان، ۳ نفر (معادل ۰/۸ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون تومان، ۱۰۱ نفر (معادل ۲۶/۶ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و ۲۲ نفر (معادل ۵/۸ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان. جدول‌های ۳ تا ۹ تعدادی از متغیرهای کمی را نشان می‌دهند که برای روشن‌تر شدن نظر پاسخ‌گویان به صورت کیفی دسته‌بندی شده‌اند. متغیرهای مستقل سطح مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در میان پاسخ‌گویان، میزان ارتباط انسانی پاسخ‌گویان، میزان تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان، سطح دین‌داری پاسخ‌گویان، و متغیر وابسته یعنی موقعیت هویت (سستی، سستی-مدرن، و مدرن) پاسخ‌گویان در این جدول‌ها درج شده‌اند.

جدول ۳. سطح مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان

سطح مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۲۶۳	۶۹.۲
متوسط	۱۱۷	۳۰.۸
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۴. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در میان پاسخ‌گویان

سطح استفاده از وسایل ارتباطی	فراوانی	درصد
کم	۱۲	۳.۲
متوسط	۳۱۶	۸۳.۲
بالا	۵۲	۱۳.۷
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۵. میزان ارتباط انسانی پاسخ‌گویان

سطح ارتباط انسانی	فراوانی	درصد
کم	۱۹۷	۵۱.۸
متوسط	۱۵۵	۴۰.۸
بالا	۲۸	۷.۴
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۶. میزان تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان

میزان تعلق اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۵۷	۱۵
متوسط	۲۹۸	۷۸.۴
بالا	۲۵	۶/۶
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۷. سطح دین‌داری پاسخ‌گویان

سطح دین‌داری	فراوانی	درصد
کم	۸۲	۲۱.۶
متوسط	۲۹۸	۷۸.۴
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۸. سطح هویت پاسخ‌گویان

سطح هویت	فراوانی	درصد
سنتی - مدرن	۸۵	۲۲.۴
مدرن	۲۹۵	۷۷.۶
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۹. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخ‌گویان برحسب باسواد/ بی‌سواد بودن مادر

سواد مادر	تعداد	میانگین نمره
بلی	۲۹۳	۲.۷۱۶
خیر	۸۷	۲.۷۵۸۶

Df=0/202

f=1

sig=/.653

میانگین‌های به‌دست‌آمده تفاوت معنی‌داری را میان تأثیر سواد مادران پاسخ‌گویان و رابطه آن با سطح هویت دانشجویان نشان نمی‌دهد. میزان اف، دی اف، و سطح معنی‌داری مؤید این نتیجه است. با شرح مندرجات جدول بالا، اگر مبدأ گرایش به هویت را گرایش سنتی مفروض بگیریم، تحصیلات مادر در خانواده تأثیری در حرکت فرزند به سمت گرایش به هویت مدرن ندارد. با این وصف، عوامل دیگری در این قضیه دخالت دارند.

جدول ۱۰. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل سن و سطح هویت

		سطح هویت	سن
سطح هویت	Correlation Coefficient	۱.۰۰۰	۰.۲۳
	Sig. (2-tailed)	.	۰.۶۶۱
	N	۳۸۰	۳۸۰
سن	Correlation Coefficient	۰.۲۳	۱.۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰.۶۶۱	.
	N	۳۸۰	۳۸۰

جدول ۱۰ آزمون همبستگی متغیر سن و سطح هویت را نشان می‌دهد. براساس نتیجه این جدول، بین این دو متغیر همبستگی دیده نمی‌شود. به این ترتیب، فرضیه ارتباط بین این دو متغیر تأیید نمی‌شود. هرچند نبود همبستگی به معنای عامل نبودن متغیر سن در گرایش به هویت مدرن محسوب نمی‌شود، احتمال می‌رود که نبود پراکندگی و فاصله سنی در میان جامعه مورد مطالعه در هم‌بسته‌بودن این دو متغیر دخالت داشته باشد.

جدول ۱۱. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخ‌گویان بر حسب شاغل / غیر شاغل بودن مادر

میانگین نمره	تعداد	شاغل بودن مادر
۲.۸۲۴۶	۱۵۲	بلی
۲.۷۰۳۹	۲۲۸	خیر

Df=7.756

f=1

sig=/.000

در این‌جا، تفاوت میانگین در سطح هویت مادران شاغل و غیر شاغل به ۰/۱۲۰۷ می‌رسد که با توجه به سطح معنی‌داری و اف و نیز دی اف می‌رساند که شاغل بودن مادران با میزان هویت مدرن فرزندانشان رابطه دارد. شاغل بودن مادر به معنای حضور بیشتر زن در فضای اجتماعی است. حضور بیشتر به داشتن ارتباطات اجتماعی گسترده‌تر و آشنایی با عناصر فرهنگی‌ای منجر می‌شود که زن خانه‌دار از آن بی‌بهره است. از این دیدگاه تحلیلی پیش‌بینی پذیر است که گشودگی فکری زن در محیط خارج از خانه ذهنیت او را برای پذیرش عناصر فکری نزدیک به هویت مدرن آماده‌تر می‌کند و در نوع تربیت او بر فرزندان اثر می‌گذارد.

جدول ۱۲. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخ‌گویان برحسب دانشکده

دانشکده	تعداد	میانگین نمره	آزمون توکی			
			۴	۳	۲	۱
ادبیات و علوم انسانی (۱)	۷۹	۲.۸۱۰۱				
فنی و مهندسی (۲)	۱۲۰	۲.۷۸۳۳				
علوم آب و کشاورزی (۳)	۱۵۹	۲.۷۴۸۴				①*③
علوم اجتماعی (۴)	۲۲	۲.۸۱۸۲				

براساس جدول بالا، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و بعدازآن دانشجویان دانشکده ادبیات از میانگین نمره بالاتری در سطح هویت مدرن برخوردارند. تفاوت آشکار و معنی‌دار میان دانشجویان دانشکده ادبیات و دانشجویان دانشکده علوم آب و مهندسی دیده می‌شود. از لحاظ آماری، میان دانشکده‌های دیگر در این مورد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. توضیح این تفاوت را می‌توان در مواد درسی دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و ادبیات دید. در رشته علوم اجتماعی، بیش‌ترین بخش سرفصل‌های دروس کارشناسی متعلق به متون اندیشه‌های فیلسوفان و جامعه‌شناسان غربی است و از لحاظ تئوری پذیرفتنی است که این دانشجویان بیش‌تر از دانشجویان دانشکده مهندسی و علوم آب به هویت مدرن گرایش داشته باشند. هم‌چنین، دروس رشته ادبیات فارسی هرچند اغلب منشأ ادبی پارسی دارند، حاوی اندیشه‌های پلورالیستیک هستند و دانشجوی این رشته را از تصلب در تفکر و تعصب به فرهنگ سنتی و میل به انحصارگرایی فرهنگی دور و مستعد پذیرش فرهنگ «دیگری» می‌کند.

جدول ۱۳. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل تحصیلات پدر و سطح هویت

	سطح هویت	تحصیلات پدر
سطح هویت T	Correlation Coefficient	۰.۰۹۷
	Sig. (2-tailed)	۰.۵۸
	N	۳۸۰
Spearman's rho	Correlation Coefficient	۰.۰۹۷
	Sig. (2-tailed)	۰.۵۸
	N	۳۸۰
تحصیلات پدر	Correlation Coefficient	۰.۰۹۷
	Sig. (2-tailed)	۰.۵۸
	N	۳۸۰

نتیجه آزمون آماری رابطه‌ای خطی را نشان نمی‌دهد. یک دلیل فقدان هم‌بستگی میان این دو متغیر احتمالاً به عوامل دیگری چون رابطه عمودی میان پدر و فرزند برمی‌گردد. رابطه عمودی و یک‌سویه میان دو نسل محتمل است که واکنشی مانند فاصله اجتماعی و عصیان نسل جوان علیه پدر خانواده را دربر داشته باشد.

جدول ۱۴. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخ‌گویان بر حسب شاغل / غیر شاغل بودن پدر

شاغل بودن پدر	تعداد	میانگین نمره
بلی	۲۹۱	۲.۷۶۲۹
خیر	۸۹	۲.۸۲۰۲

Df=1.288

f=1

sig=/.257

تفاوت میانگین نمرات به دست آمده از سطح هویت دانشجویان نشان می‌دهد که اختلافی در حد ۰/۵۷۳ میان دانشجویان با پدر شاغل و دانشجویان با پدر غیر شاغل وجود دارد. سطح معنی‌داری ۰/۲۵۷ ارتباط هر دو متغیر در سطح ۹۵ درصد را منتفی می‌کند.

جدول ۱۵. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل درآمد خانواده و سطح هویت

	سطح هویت	درآمد خانواده
Spearman's rho	Correlation Coefficient	۱.۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰.۰۱۹
	N	۳۸۰
سطح هویت T	Correlation Coefficient	-۰.۰۱۹
	Sig. (2-tailed)	۰.۰۱۹
	N	۳۸۰

هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهند که میان متغیر میزان درآمد خانواده و سطح هویت دانشجویان رابطه خطی وجود ندارد و این فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول ۱۶. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل مشارکت اجتماعی و سطح هویت

	سطح هویت	مشارکت اجتماعی
سطح هویت	Pearson Correlation	۰.۴۳۵**
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰
	N	۳۸۰
مشارکت اجتماعی T	Pearson Correlation	۰.۴۳۵**
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰
	N	۳۸۰

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول بالا نتیجه آزمون میان متغیر میزان مشارکت اجتماعی و سطح هویت را نشان می‌دهد. بر این اساس، رابطه میان این دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی افزایش یک واحدی در میزان مشارکت اجتماعی افزایشی معادل ۴۳/۵ در سطح هویت مدرن را نشان می‌دهد. این نتیجه از لحاظ تئوری پذیرفتنی است؛ زیرا مشارکت اجتماعی و مدنی (که در جوامع با هویت‌های سنتی چندان گسترده نیست) به‌صورت هم‌جهت با عناصری از جامعه مدنی در جامعه مدرن هم‌افزایی دارد.

جدول ۱۷. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و سطح هویت

	سطح هویت	وسایل ارتباط جمعی
سطح هویت	Pearson Correlation	۱۱۱*
	Sig. (2-tailed)	۰۳۱
	N	۳۸۰
وسایل ارتباط جمعی	Pearson Correlation	۱۱۱*
	Sig. (2-tailed)	۰۳۱
	N	۳۸۰

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

آزمون آماری نشان می‌دهد که میان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مدرن‌شدن هویت دانشجویان رابطه وجود دارد. این رابطه با شدت ۱۱ درصد و در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد درخور اعتناست؛ یعنی به‌ازای یک واحد افزایش در استفاده از وسایل ارتباطی جدید، دانشجویان معادل ۱۱/۱ درصد به هویت مدرن‌گرایش پیدا می‌کنند.

جدول ۱۸. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل میزان ارتباط انسانی و سطح هویت

	سطح هویت	ارتباط انسانی
سطح هویت	Pearson Correlation	۰.۱۷۹**
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰
	N	۳۸۰
ارتباط انسانی	Pearson Correlation	۰.۱۷۹**
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰
	N	۳۸۰

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

میزان داشتن ارتباط انسانی در این پژوهش با مدرن‌شدن هویت دانشجویان مرتبط است. می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد گفت که به‌ازای افزایش یک واحدی در میزان ارتباط فرد با جامعه اطراف معادل ۱۷/۹ درصد از وجه مدرن‌شدن هویتش افزوده می‌شود و از وجه سستی بودن آن می‌کاهد.

جدول ۱۹. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل میزان تعلق اجتماعی و سطح هویت

	سطح هویت	تعلق اجتماعی
سطح هویت	Pearson Correlation	۰.۰۴۴
	Sig. (2-tailed)	۳۹۶
	N	۳۸۰
تعلق اجتماعی	Pearson Correlation	۰.۰۴۴
	Sig. (2-tailed)	۳۹۶
	N	۳۸۰

مندرجات به‌دست‌آمده از آزمون آماری میان دو متغیر میزان تعلق اجتماعی و سطح هویت دانشجویان نشان می‌دهد که این فرضیه تأیید می‌شود، با این توضیح که در ارتباط میان این دو متغیر چون هر دو روند افزایشی دارند، افزایش یک واحد در متغیر مستقل میزان تعلق اجتماعی افزایش ۴/۴ درصدی در متغیر وابسته را در پی دارد.

جدول ۲۰. آزمون آماری هم‌بستگی متغیر مستقل میزان دین‌داری و سطح هویت

	سطح هویت	دین‌داری
سطح هویت	Pearson Correlation	۱
	Sig. (2-tailed)	۰۰۲
	N	۳۸۰
دین‌داری	Pearson Correlation	-۱۵۹**
	Sig. (2-tailed)	۰۰۲
	N	۳۸۰

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

اما سطح دین‌داری پاسخ‌گویان در مدرن‌شدن هویت آنان مؤثر افتاده است. میزان تأثیر این متغیر در متغیر وابسته به‌تنهایی ۱۵/۹ درصد است. به‌ازای کاهش یک‌درصدی در میزان دین‌داری فرد پاسخ‌گو، افزایشی معادل ۱۵/۹ درصد در گرایش به هویت مدرن به‌وجود می‌آید.

جدول ۲۱. فهرست متغیرهای واردشده به مدل رگرسیون خطی و شیوه انجام آن

متغیرهای واردشده به معادله

Model	Variables Entered	Variables Removed	Method
1	دین‌داری، جنس، تحصیلات پدر، وضعیت ازدواج، شغل مادر، درآمد خانواده، سن، تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، وسایل ارتباطی، شغل پدر، ارتباط انسانی	.	Enter

a. Tolerance = .000 limits reached.

b. Dependent Variable: سطح هویت

جدول ۲۲. خلاصه مدل

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.495 ^a	.245	.220	.36898

جدول ۲۳. جدول ضرایب معادله رگرسیون: متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
	عدد ثابت	۳.۲۷۹	۲۶۶		
جنس	۰۳۵	۰۴۵	۰۴۱	۷۸۸	۴۳۱
سن	-۰۰۱	۰۰۷	-۰۰۸	-۱۷۴	۸۶۲
تأهل	۰۱۸	۰۴۷	۰۱۸	۳۹۰	۶۹۷
تحصیلات پدر	-۰۲۶	۰۱۶	-۰۷۶	-۱.۶۳۱	۱۰۴
شغل پدر	۰۱۱	۰۵۲	۰۱۰	۲۰۱	۸۴۱
درآمد خانواده	-۸.۵۸۴	۰۰۰	-۰۴۷	-۱۰.۰۰۷	۳۱۴
شغل مادر	-۱۲۴	۰۳۹	-۱۴۵	-۳.۱۳۶	۰۰۲
میزان مشارکت اجتماعی	-۳۶۴	۰۴۴	-۴۰۴	-۸.۳۰۸	۰۰۰
میزان استفاده از وسایل ارتباطی	۰۸۶	۰۵۱	۰۸۲	۱.۶۶۸	۰۹۶
میزان ارتباط انسانی	-۰۷۷	۰۳۵	-۱۱۷	-۲.۲۳۰	۰۲۶
میزان تعلق اجتماعی	۱.۳	۰۴۷	۱۱۳	۲.۱۸۲	۰۳۰
سطح دین‌داری	-۰۹۰	۰۵۰	-۰۸۸	-۱.۷۸۳	۰۷۵

a. متغیر وابسته: سطح هویت

جدول رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله درکنار هم چگونه بر متغیر وابسته پژوهش اثر گذاشته‌اند. متغیر سن به صورت اولین متغیر وارد معادله شده است. تأثیر این متغیر، با بتای ۰/۰۴۱ و ارتباط مثبت، به معنای تأیید فرضیه پژوهش محسوب می‌شود؛ یعنی به ازای یک واحد کاهش در سن ۴/۱ درصد افزایش در متغیر وابسته اتفاق می‌افتد (با سطح معناداری این متغیر ۰/۴۳۱). متغیر مستقل بعدی درآمد خانواده است. ضریب تعیین این متغیر ۰/۰۴۷ - و به این معناست که حدود ۴/۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر تبیین کرده است. بتا و ارتباط نوع مثبت توضیح می‌دهد که افزایش در متغیر مستقل افزایش در متغیر وابسته (با سطح معناداری ۰/۳۱۴) است. سومین متغیر میزان مشارکت اجتماعی است. ضریب این متغیر ۰/۴۰۴ - و به این معناست که حدود چهل درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر تبیین کرده است. بتای ۰/۴۰۴ - و ارتباط منفی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نیز نشان می‌دهد که کاهش در متغیر

مستقل افزایش در متغیر وابسته را در پی دارد. چهارمین متغیر مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباطی جمعی است. ضریب تعیین این متغیر ۰/۰۸۲ و به این معناست که حدود ۸ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر توضیح داده است. پنجمین متغیر میزان ارتباط با دیگران است. بتای این متغیر ۰/۱۱۷- به دست آمده و به این معناست که حدود ۱۱/۷ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر قابل تبیین کرده است. متغیر مستقل بعدی میزان تعلق اجتماعی است. ضریب تعیین این متغیر ۰/۱۱۳ و به این معناست که حدود ۱۱/۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر قابل تبیین کرده است. بتای (میزان تأثیر) ارتباط از نوع مثبت سطح معنی‌داری نیز ۰/۰۳۰ نشان از آن دارد که افزایش جهت هر دو متغیر افزایشی است. در نهایت، متغیر مستقل بعدی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر میزان دین‌داری است. ضریب تعیین این متغیر ۰/۰۸۸ و به این معناست که حدود ۸/۸ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر قابل تبیین کرده است.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

حدود دو قرن است که از ورود ایران به جامعه جهانی و اشاعه برخی از عناصر فرهنگ غرب به نظام فرهنگی ما و ظهور هویت مدرن در جامعه ایران می‌گذرد. این پژوهش با رویکرد مبادله‌ای، که ذیل تحلیل‌های جامعه‌شناسانه پدیده هویت ایرانی را در روایت‌های سه‌گانه ملت‌پرستانه، مدرن و پست‌مدرن، و تاریخی‌نگر (اشرف ۱۳۹۵) با پشتوانه مطالعات نظری مطمح‌نظر دارد، و به صورت تجربی با این پرسش محوری انجام شد که میزان گرایش به هویت سنتی و مدرن در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر به چه میزان است و برخی از عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در آن کدام‌اند؟ نتایج نشان داد که گرایش به هویت سنتی در نمونه آماری صفر است؛ ۲۲/۴ درصد گرایشی بینابین (سنتی و مدرن) دارند و بخش قابل توجه دانشجویان (۷۷/۶ درصد) عناصر هویتی مدرن دارند. این نتیجه با نتیجه پژوهش جوادی یگانه و همکارانش (۱۳۸۷) با کمی اختلاف هم‌خوان است، اما با نتیجه پژوهش صدیق سروسنانی (۱۳۸۸) تفاوت دارد، از این لحاظ که درصدی از نمونه آماری‌اش گرایش به هویت سنتی را ابراز کرده‌اند، در حالی که تمایل هویت سنتی محور در این‌جا صفر گزارش شده است. اما این نتیجه وقتی در کنار آمار میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرد (۸۳/۲ درصد در حد متوسط و ۱۳/۷ درصد در حد بالا)

از نظر تئوریک نشان می‌دهد که فرایند جهانی شدن در محوکردن هویت‌های سنتی و تفکر محلی‌گرایی توفیق بالایی داشته است. نکته مهم این‌که پژوهش سروسستانی از نظر مکانی در پایتخت انجام شده است. نکته درخوراعتنای دیگر این‌که میزان ارتباط انسانی اکثریت پاسخ‌گویان در حد بالا (۵۱/۹ درصد متوسط و ۴۰/۸ درصد) گزارش شده است و اکثریت آن‌ها میزان تعلق اجتماعی خود را در حد متوسط (۷۸/۴ درصد) بیان کرده‌اند؛ ضمن این‌که سطح دین‌داری آن‌ها نمره بالایی را به خود اختصاص نداده است (۷۵/۴ درصد متوسط و ۲۱/۶ درصد پایین). نتیجه آزمون فرضیه که مؤید ارتباط معنادار میان سطح دین‌داری و مدرن‌شدن هویت است با نتیجه پژوهش سروش (۱۳۸۰) هم‌سو است؛ ضمن تذکر این نکته معنادار که پژوهش نام‌برده در کلان‌شهر شیراز و با مطالعه نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه دولتی شیراز انجام شده است.

عوامل مطرح‌شده در این پژوهش روی هم‌رفته ۴۹/۵ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. برخی از یافته‌های پژوهش ما با پژوهش صدیق سروسستانی (۱۳۸۸) تاحدی مطابقت دارد. یافته‌های تحقیق نام‌برده نشان داد که مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری از مؤلفه‌های سنتی دارند. هویت دانشجویان نه یک سازه تک‌بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بعد سنتی و مدرن است. در این پژوهش، هم‌چنان‌که جدول آمار توصیفی نشان می‌دهد، بیش‌تر دانشجویان به هویت مدرن و حدود ۲۵ درصد از آنان به هویت سنتی-مدرن گرایش دارند. هم‌چنین، در تحقیق احمدی و همکارانش (۱۳۹۲) و تحقیق لیم و چو (۲۰۱۰) متغیر بهره‌گیری از وسایل ارتباط‌جمعی (مانند این پژوهش) در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان (نسل پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷) تأثیرگذار بوده است. در بحث از فقدان ارتباط متغیر زمینه‌ای سن و تحصیلات پدر با هویت‌یابی، نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های زلفعلی‌فام و غفاری (۱۳۸۸) و اشرف (۱۳۸۲) تفاوت دیده می‌شود. هرچند همه نسل جوان ایرانی از مبانی تئوریک و فلسفی هویت مدرن و غربی آگاهی ندارند، فراگیرشدن وسایل تکنولوژیکی ارتباط‌جمعی خصوصیات این نوع هویت را در ایران امروز گسترش داده و باعث رونق آن شده است. در این پژوهش، متغیرهایی به‌کار گرفته شده‌اند که بیش‌تر در روایت مدرن و پست‌مدرن قرار می‌گیرند. در واقع، مطالعه ابعاد هویت در میان قشر جوان نشان می‌دهد که عناصر هویتی موردنظر جهان غرب بیش‌تر پذیرفته شده‌اند تا هویت نیمه‌تاریخی و سنتی. به‌تعبیر گیدنز، فعالیت‌های انسانی را «کنش‌گران اجتماعی

به‌وجود نمی‌آورند، بلکه این فعالیت‌ها از طریق همان راه‌هایی که انسان‌ها خودشان را به‌عنوان کنش‌گر مطرح می‌سازند پیوسته بازتولید می‌شوند. عوامل انسانی از طریق فعالیت‌هایشان شرایطی را به‌وجود می‌آورند که این فعالیت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند. قبل از گیدنز، فوکو با بررسی تاریخی هرمنوتیک خود در غرب نیز نشان داد که مفهوم تازه «خود» در علوم انسانی از طریق تأسیس مفهوم «غیر» ظاهر شد و این کار از طریق گفتمان‌های وابسته به نیروها و نهادهای اجتماعی قدرت‌مند صورت می‌گیرد. البته با نتایج این پژوهش و نظایر آن این تفسیر شاید دور از واقعیت نباشد که در تعاملات میان تمدنی و میان‌فرهنگی غرب مانند شرق‌شناسان قرن‌های هجده و نوزده با رویکرد «غیری به‌مثابه دشمن» به دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نمی‌پردازد، بلکه بر آن است تا به‌شیوه‌ی شبیه‌سازی «غیر» را به «خود» تشبیه و تبدیل کند که در این هدف توفیقاتی را نیز به‌دست آورده است. می‌توان نتیجه گرفت که هویت با این‌که تحت‌تأثیر قدرت مسلط نهادهای کلانی چون اقتصاد، سیاست، و آموزش قرار می‌گیرد و چون قدرت ذاتاً متکثر و منتشر است و کنش‌گران در نقش‌های اجتماعی قدرتی ولو حداقلی دارند، می‌توانند در عرصه‌ی نظر و کنش انتخاب داشته باشند و تاحدی قدرت نهادهای مهارکننده در واقع، قدرت انتخابی کنش‌گران در وهله‌ی اول تحت‌تأثیر قدرت اقتصادی و فرهنگی آنان است، اما عامل مهمی که در دهه‌های اخیر توان تصمیم‌گیری و انتخاب آزادانه‌ی بیش‌تری را نصیب کنش‌گران اجتماعی جهان کرده، استفاده از وسایل ارتباطی مدرن است که هم آنان را از انفعال و تسلیم‌بودن محض در برابر ساختارهای کلان و به‌خصوص ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه رژیم‌های سیاسی رهایی بخشیده و هم بر مشارکت مدنی و ارتباطات انسانی در نقاط زمانی و مکانی دوردست و نیز بر هم‌بستگی و انسجام اجتماعی اثر گذاشته و در مجموع توانسته هویت سنتی آنان را به‌سمت هویت غالب و مدرن هدایت کند. با تفسیر این نتایج و سایر مطالعات انجام‌گرفته در حوزه‌ی جوانان و دانشجویان، می‌توان از «چرخش فرهنگی» در نسل جوان ایران سخن راند. این چرخش به‌سوی فرهنگ غربی هرچند امری طبیعی، تاریخی، و جامعوی است، مانند دیگر مبادلات در حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی کارکردهای پنهان و احتمالاً منفی نیز دارد؛ مانند آنچه مارکس درباره‌ی ایناسیون برای جامعه‌ی صنعتی و طبقه‌ی پرولتاریا پیش‌بینی می‌کرد. این نتایج مؤید دیدگاه کاستلز نیز است. کاستلز وقتی دست به تحلیل «جهان جدید» می‌گشاید، هم انقلاب تکنولوژی اطلاعات را در پدیدآوردن آن مهم تلقی می‌کند، هم بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری، و هم شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی

فرهنگی را. از دیدگاه او، کنش تعاملی میان این سه ساختار نوین اجتماعی (جامعه شبکه‌ای)، اقتصاد اطلاعاتی، و فرهنگ جدیدی را در جهان شبکه‌ای به وجود می‌آورد، هرچند وی در تحلیل نهایی تنوع فرهنگی ملل مختلف را مضمحل شده مفروض نمی‌گیرد. در حوزه دین‌داری هم، بنابر برخی از تحلیل‌های جامعه‌شناسانه، به نظر می‌رسد که ازسویی با مطرح شدن انواع شیوه‌های دین‌داری، هویت‌های دین‌بنیان، و اجرای دین‌ایدئولوژیک در چهار دهه اخیر در حوزه عمومی زندگی به کمک ابزارهای جهانی شدن و ازسوی دیگر، چون دین‌داری در مغرب‌زمین بنیانی سکولاریستیک دارد و با غربی‌شدن هویت جوانان در ایران گرایش به استقلال نظام دین از نظام سیاست و شیوه حکومت‌داری افزایش داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برگرفته از پژوهشی که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد جامع واحد شوشتر انجام شده است.

2. agent

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: سخن.
- احمدی، حبیب و دیگران (۱۳۹۲)، «تأثیر استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر هویت اجتماعی جوانان»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر*، ش ۲۱.
- اشرف، احمد (۱۳۸۷)، «هویت ایرانی به سه روایت»، *مجله بخارا*، ش ۶۶.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، *هویت ایرانی*، تهران: نشر نی.
- افشارکهن، جواد (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: جامعه‌شناسان.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۹)، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی و علی روحانی (۱۳۹۳)، «هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی، و قومی)؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۶، ش ۲۱.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۹۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: آگه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*، ترجمه علی اردستانی، تهران: نگاه معاصر.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- تاجیک، محمدرضا (به‌اهتمام) (۱۳۸۷)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالات)*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلام‌عباس و سیاوش قلی‌پور (۱۳۸۶)، «جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، ش ۳.
- جانسون، چالمرز (۱۳۸۳)، *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جوادی یگانه، محمدرضا و جلیل عزیزی (۱۳۸۷)، «هویت فرهنگی و اجتماعی جوانان در شهر شیراز با توجه به عامل رسانه»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱، ش ۳.
- خادمی، محسن، پرویز ساکتی، و ویدا فلاحی (۱۳۸۶) «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی (گرایش‌ها و شناخت‌ها)»، *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۲.
- رئیس، فاطمه (۱۳۷۶)، *بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- روشه، گی (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه ع. نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۱)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زلفعلی، جعفر و مظفر غفاری (۱۳۸۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان»، *مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۳.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: ندای آریانا.
- سروش، مریم (۱۳۸۰)، *بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- سیوری، راجرز (۱۳۸۷)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۲، ش ۸.
- عقیلی، سیدوحید و خدیجه ططری (۱۳۹۱)، «تبیین هویت ملی در توسعه ارتباطات»، *مجله فرهنگ ارتباطات*، ش ۹۲.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، *تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فوران، جان (۱۳۹۳)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

کدی، نیکی. آر. (۱۳۸۷)، *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

گافمن، اروینگ (۱۳۹۱)، *نمود خود در زندگی روزمره*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، *جهانی‌شدن فرهنگ هویت*، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳)، *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.

متقی، افشین و مصطفی رشیدی (۱۳۹۴)، «جغرافیا، برساخت‌گرایی و تبیین برساخت‌گرایانه ژئوپولیتیک»، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، ش ۳۹.

مظلومی، اشرف (۱۳۸۲)، *بررسی ارتباط میان روش‌های تربیتی و پایگاه‌های هویت فرهنگی*، اجتماعی نوجوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، تهران: دانشگاه الزهرا.

Bourdieu, P. (1995), *The Field of Cultural Production*, Cambridge: Polity Press.

Chou, A. and B. Lim (2012), *A Framework for Measuring Happiness in Social Network*, 111. Inios State University.

Copsescu, S. (2011), "Aspects of Identity Construction in the Context of Globalization, Bulletin of the Transilvania of Brasov", Series VII: *Social Sciences, Law*, vol. 4 (53), no. 2.

Heilman, Elizabeth (1998), "The Struggle for Self Power and Identity", *Adolecent Girls Youth 8 Society*, vol. 3, no. 2.

Kupper, Adam and F. Jessica Kupper (1996), *Social Science Encyclopedia*, London: Rutledge.

Luo, Lu and Shu-Fang Kao (2010), "Traditional and Modern Characteristics across the Generations: Similarities and Discrepancies", *The Journal of Social Psychology*, Published Online: 02 Apr.

Schalk, S. (2011), "Self-Other and Other-Self: Going Beyond the Self-other Binary in Contemporary Consciousness", *Journal of Comparative Research in Anthropology and Sociology*, vol. 2, no.1.

Zaharata, R. S. (1989), "Self-Shock: The Double-Binding Challenge of Identity", *International Journal of Intercultural Relations*, vol. 13.